



مطالعه تحلیلی معنای عناصر نمادین با تأکید بر هاله نور در نگارگری مانوی*

الهه پنجه‌باشی^{۱*}، زینب محمدجانی^۲

^۱ دانشیار گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

^۲ کارشناس ارشد نقاشی، گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

(دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷، پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵)

چکیده

هنر مانوی یکی از هنرهای غنی و اثرگذار است که آغاز آن از سده سوم م. در ابتدای تشکیل حکومت ساسانی آغاز شد و تا چند قرن بعد از اسلام ادامه یافت. مانی و پیروانش از هنرهای بصری و تجسمی که شاخص‌ترین آن‌ها هنر نقاشی و نگارگری است آثار بسیار نفیسی بر جای گذاشته‌اند که بر نگارگری ایرانی در دوره‌های بعد تأثیرگذار بوده است. با نگاهی کلی به ویژگی‌های ساختاری آثار مانویان می‌توان به عناصر نمادینی دست یافت که اغلب در بیشتر نگاره‌ها تکرار شده و دارای مفاهیم خاصی هستند. هدف این پژوهش پی‌بردن به سیر تحولات هاله نور در نگارگری مانویان و درک شباهت‌های تجسمی آن می‌باشد. هاله نور در هنر مانوی با هدف رسیدن به نور و رستگارشدن روح انسان می‌باشد. سؤال این پژوهش چه عناصری در نگارگری مانوی به کار رفته است و دارای چه معنایی می‌باشند؟ دارای چه ویژگی‌های بصری و ساختاری می‌باشند؟ روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از مطالب کتابخانه‌ای اسنادی و بررسی نمونه‌های نقاشی مانوی جمع‌آوری شده است و تحلیل بر اساس هاله نور و ویژگی‌های آن می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مانویان از عناصر نمادینی چون گل نیلوفر، مروارید، آسمان آبی، هاله نور، کشتی و درخت زندگی در نگاره‌هایشان استفاده می‌کردند و مهم‌ترین عنصر در بین این عناصر هاله نور بوده که بسیار متنوع‌تر از دیگر عناصر بوده که با رنگ‌ها و آرایه‌های تزئینی متفاوتی اجرا می‌شده است. در نگاره‌های مانوی این نماد به معنای نور و پاکی است و فردی که دارای هاله نور باشد مقدس و دارای جایگاه معنوی ویژه‌ای است.

واژگان کلیدی

ساسانی، هنر، نگارگری، مانوی، عناصر نمادین، هاله نور.



مقدمه

نگارگری مانوی با عناصر نمادین و هاله مقدس درآمیخته شده است. استفاده از نماد در بیشتر هنرهای مذهبی دیده می‌شود، مانویان نیز به وسیله عناصر نمادین نگاره‌های خود را در هاله‌ای از رمزوراز قرار داده‌اند. برای شناخت این هنر دیرینه نیاز به بررسی این نمادها و پیدا کردن معنا و مفهوم آن‌ها در نزد مانویان داریم. نقش مایه هاله مقدس یا هاله نور نیز همواره در هنرهای دینی از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. در نگارگری مانوی نیز هاله مقدس نقش اساسی را ایفا می‌کند. به همین جهت در مقاله حاضر تلاش بر بررسی ویژگی‌های فرمی و تزئینی نقوش و جزییات نگارگری مانوی و هاله تقدس است. هدف این پژوهش پی بردن به ویژگی‌های نگارگری مانوی است. سؤال این پژوهش چرا مانویان در نگاره‌هایشان از هاله نور استفاده می‌کردند و این هاله نور دارای چه ویژگی می‌باشد؟ با چه عناصر نمادینی تلفیق شده است؟ **ضرورت و اهمیت پژوهش** در این است که آثار نگارگری مانوی از لحاظ هاله سر جای پژوهش و بررسی داشته. این عناصر نمادین در ارتباط با دین مانوی معنا می‌یابند و برای بیان حقیقت وجودی پاک انسان طراحی شده‌اند و هاله مقدس نیز مهم‌ترین و پرتکرارترین نماد در بین دیگر عناصر بوده است. هاله مقدس از دیرباز تا به امروز به عنوان جلوه‌ای از نور و الوهیت است. در نگارگری مانوی هاله نور علاوه بر دارا بودن جنبه قدسی و معنوی، یکی از راه‌های شناخت و تشخیص جایگاه و نقش ایزدان مانوی است. طرح و رنگ‌ها و اندازه هاله نور به ما در شناخت این امر کمک می‌کند. از لحاظ نماد شناسانه نیز حائز اهمیت هستند. علی‌رغم این موارد، این موضوع تاکنون وارد پژوهشی مستقل نشده بنابراین انجام آن ضرورت این پژوهش را نشان می‌دهد.

روش پژوهش

این پژوهش کیفی بوده و به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فیش برداری انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش پنج نگاره مانوی است که دارای هاله تقدس بوده و برای بررسی دقیق‌تر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و به روش قیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. شیوه تحلیل بر مبنای اصول و قواعد تجسمی و ویژگی‌های آن می‌باشد.

پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های انجام‌شده درباره هنر مانوی، هاله مقدس و عناصر نمادین موجود در نگاره‌های مانوی بررسی‌هایی صورت گرفته است؛ کلیم کایت (۱۳۹۶)، در کتاب *هنر مانوی* به نمادها و ویژگی‌های تصویری نگاره‌های مانویان پرداخته است و بخش وسیعی از مطالب کتاب خود را به بررسی و توصیف نگاره‌ها اختصاص داده است. هامبی و دیگران (۱۳۸۹)، در کتاب *هنر مانوی و زردشتی* به کانون‌های هنر مانوی اشاره کرده و توضیحاتی در مورد شیوه و فن اجرای نگاره‌ها داده و بررسی کوتاهی نیز در رابطه با تأثیرپذیری هنر مانوی از هنر دوره ساسانی کرده است. پوپ (۱۳۷۸)، در کتاب *سیر و صور نقاشی ایران*

ابتدا به بررسی هنر مانوی و پیوند آن با هنر ایران پرداخته است. پاکباز (۱۳۸۵) در کتاب *نقاشی ایران از دیرباز تا به امروز* به بررسی تأثیرپذیری هنر مانوی از هنر چینی و هندی پرداخته و ویژگی تصویرپردازی مانویان کرده است. آژند (۱۳۹۹)، در کتاب *نگارگری ایران* جلد اول در مورد نقاشی‌های مانویان کشف شده در تورفان و خوچو توضیحاتی داده است. در این کتاب نیز چند نمونه تصاویر رنگی از نگاره‌های مانویان قرار داده شده است. صمدی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «سیر تحول هاله مقدس به شکل نور و آتش در نگارگری ایران» ابتدا به بحث نور پرداخته و سپس هاله مقدس را در ادیان قبل از دین مانویت و بعد هاله مقدس در مانویت و پس از آن به هاله مقدس و تحولاتش پس از اسلام در ایران پرداخته است. موسوی (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه خود با عنوان «مطالعه تطبیقی عنصر نور در هاله مقدس و نگارگری مانویان و هنر اسلامی» ابتدا به جایگاه نور در ایران و هنر اسلامی پرداخته و در آخر تجلی نور در آراء مانوی را بررسی کرده است. همچنین چند نمونه از نگاره‌های مانوی را که دارای هاله نور بودند را توصیف کرده است. اسماعیل‌پور (۱۳۸۲) در مقاله خود با عنوان «زیبایی‌شناسی در هنر و ادبیات مانوی» به بررسی عناصر نمادینی که در نگاره‌های مانوی قرار دارند پرداخته و سپس مفهوم زیبایی‌شناسی در ادبیات مانوی را شرح داده است. و در آخر این‌گونه نتیجه گرفته است که غایت زیبایی در هنر و ادبیات مانوی نجات و رستگاری روح و عروج به بهشت نور است. رهبر و پورمند (۱۳۹۲) در مقاله با عنوان «بازخوانی رابطه نور و رنگ طلایی در آراء و هنر مانوی» به بررسی مفهوم نور پرداخته و تصاویر نگاره‌های مانوی را تحلیل و بررسی کرده است. در این مقاله اشاره شده اشخاص دارای مقام والاتر با هاله با شکوه‌تر از دیگران تصویر شده‌اند. در آثار پژوهشی مذکور عموماً به کلیت نمادها و نشانه‌های تصویری نگاره‌های مانویان پرداخته شده است. دستاورد اصلی پژوهش‌های پیشین معرفی و توصیف این نمادها و هاله مقدس بوده است. آنچه موضوع پژوهش حاضر را از دیگر پژوهش‌ها متمایز می‌کند مطالعه اختصاصی نقش هاله مقدس در پنج نگاره مانوی و همچنین شناسایی دلیل استفاده مانویان از عناصر نمادین در نگاره‌هایشان است. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که مقالات و کتب مربوط در این مورد کم بوده و این زمینه پژوهشی مورد غفلت واقع شده است. بنابراین در این مقاله سعی شده با بهره‌گیری از منابع مرتبط به تحلیل علمی این موضوع بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

مروری بر زندگی و هنرمانی در دوره ساسانی

مانی پایه‌گذار کیش مانوی است، که در سال ۲۱۶ م. از تباری ایرانی زاده شد (کریستنسن، ۱۳۸۲: ۱۴۵). در سال ۲۴۰ م. هم‌زمان با تاج‌گذاری شاپور اول، مانی به تبلیغ احکام و دستورهای الهی پرداخت و در همان زمان محکوم و به دستور شاپور ایران را ترک گفت (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۵۸۲). وی خود را آخرین پیامبر آسمانی و آگاه به اسرار الهی نامید. تعالیم او تلفیقی از همه ادیان موجود در مرزهای ایران و همسایگانش بود و



و می‌کوشید از طریق علائم نمادین (حیوانی، انسانی، گیاهی، تلفیقی) با هم‌نوعان خود ارتباط برقرار کند. در هنرهای تجسمی، نماد تأویل بصری از یک موضوع انتزاعی از طریق تبدیل مشخصات پویای آن موضوع به صفات ویژه شکل، رنگ، حرکت و غیره تعریف شده است (پاکباز، ۱۳۸۱: ۶۰۴). نقش نمادها در هنرهای دینی چنان قابل توجه و حائز اهمیت است که آن‌ها را می‌توان اجزای تفکیک‌نشده فرهنگی بصری ادیان دانست به طوری که شناخت یک هنر دینی بدون آشنایی با رمز و راز مفاهیم نمادهای آن ممکن نخواهد بود (ذکرگو، ۱۳۷۸: ۷). هنر مانوی نیز بر پایه دین مانوی بنا شده است، مانویان برای انتقال مضامین زیبایی‌شناسانه در هنر نگارگری خود از زبانی نمادین بهره گرفتند، این نمادها در (جدول ۱) معرفی می‌شوند.

نماد مروارید

مروارید به عنوان نماد و رمز جان و روح سابقه بسیار زیادی دارد. افلاطون روح را همانند یک کره می‌انگاشت (یونگ، ۱۳۸۱: ۳۷۹). با توجه به شکل کروی مروارید بعید نیست که انسان با دیدن این گوهر کروی سفید ارزشمند که در لاک صدف پنهان است، همانندی و شباهت آن را با روح انسان که در کالبد جسم گرفتار است متوجه شده و از آن به عنوان شیئی مقدس استفاده کرده باشد. مروارید با نمادینه شدن روح یکی از رمزهای تعالی و روحانی به شمار می‌رود (حسینی، ۱۳۸۷: ۵۱). یکی از نمادهای بنیادین و مکرر روح انسان در آیین مانوی مروارید است. مروارید سمبلی از روح انسان نیازمند رستگاری و نجات است. انسان با همه ساختار دیوی و پلیدش گوهری جانانه در بطن خود به اسارت دارد. این گوهر (مروارید) همان پاره‌نوری است که به‌زعم عرفان مانوی در صدف تن انسان به اسارت افتاده است، در حالی که اصلاً به صدف کون و مکان تعلق ندارد (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۳۷). نماد مروارید در نگاره‌های مانوی هم مربوط به روح فرد است که نیازمند رستگاری است و هم به روح روشنی در کیهان یعنی مهر ایزد (نفس زنده) اشاره می‌کند که در سراسر جهان پراکنده است و شخصیت نجات‌بخش کیش مانوی آن را آزاد می‌کنند. هدف کیش مانوی نه‌تنها آزاد کردن مرواریدها از جهان مادی از جامه پوشالی جسم و نیز گردآوری روان‌ها همچون اندام‌های یک بدن است، بلکه مداومت در تطهیر آن‌ها است (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۹۱).



تصویر ۲. رشته مرواریدهای به هم چسبیده به صورت عمودی. منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۶۵)

در نظر داشت با سفر و فرستادن سفیران به اقصی نقاط دنیا دین خود را گسترش دهد. با به قدرت رسیدن بهرام اول دامنه فعالیت او محدود شد و عاقبت در سال ۲۷۶ م. متهم به بدعت شده و زندانی گردید و بنا به گفته‌ای پس از چند روز در همان زندان به قتل رسید (دکره، ۱۳۸۰: ۴۴). بر اساس عقاید مانوی روح و ماده در برابر هم قرار دارند، در اعتقادات او روح نیکوست و سرچشمه قلمرو جاودانی نور است و در مقابل آن ماده و کارکردهای جسمانی برابر با شر هستند و رستگاری و سعادت هنگامی ممکن می‌شود که انسان بر این دوگانگی آگاهی یابد و این آگاهی نخستین شرط آزادی نور از ماده و بازگشت آن به سرچشمه راستین خویش است (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۴۷). مانوی برای آسان ساختن فهم فلسفه بسیار مشکل آیین خود مفاهیم مجرد آن‌ها را به وسیله طرح‌ها و رنگ‌ها نقش می‌کرده و به این ترتیب حکمت ماوراء الطبیعه دین خویش را بیان می‌نموده است (تجویدی، ۱۳۵۴: ۵-۹). در واقع چیزی از سنت نگارگری اولیه مانوی نمانده است. ما تنها شمار معدودی نگاره‌های مینیاتوری از واحه تورفان^۱ در دست داریم که بر هنر برجسته‌ی این کیش جهانی گواهی می‌دهند (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۲۱۴). درباره فن نگارگری مانوی احتمالاً سطحی که روی آن نقاشی می‌کردند قبلاً خوب کوبیده و سفت می‌شده و سپس خطوط مرزی آن‌ها با مرکب قرمز یا رنگ سیاه طرح‌افکنی و در نهایت طرح با رنگ‌های مختلف پر می‌شد (هامبی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۲-۴۳). طراحی و رنگ در آثار مانویان تند و صریح و آثار مملو از رنگ‌های قرمز، ارغوانی در زمینه‌ی آبی لاجوردی و انواع سبزه‌ها همراه با نقره و طلای فراوان بود. استفاده از این فلزات برای منعکس کردن نور و ایجاد پرتوهای که با روح بیننده تبادلات معنوی خاصی برقرار می‌کردند می‌باشد. بر طبق گزارشی راجع به سوزاندن کتب نفیس مانوی در بغداد گفته شده: طلاکاری این کتب آن‌قدر زیاد بود که وقتی ۱۴ صندوق از این کتاب‌ها را آتش زدند زر و سیم از آن جاری گشت (پوپ، ۱۳۷۸: ۱۶). اما در مورد تصویرگری‌های نگاره‌های مانویان می‌توان این‌طور اذعان داشت که آن‌ها از یک سری عناصر و نشانه‌های تکرارشونده در همه آثار خود بهره می‌بردند که در این مقاله به بررسی این عناصر و یافتن معنا و مفهوم هر یک می‌پردازیم.

مطالعه اجزا و عناصر نمادین در نگارگری مانوی

نمادپردازی جزو قدیمی‌ترین روش‌های بیان مفاهیم محسوب می‌شود، به طوری که انسان بدوی غایت مطلوب خویش را در قالب نماد بیان کرده



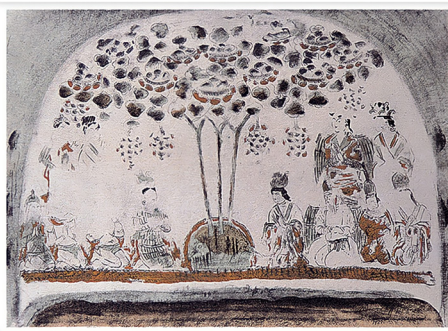
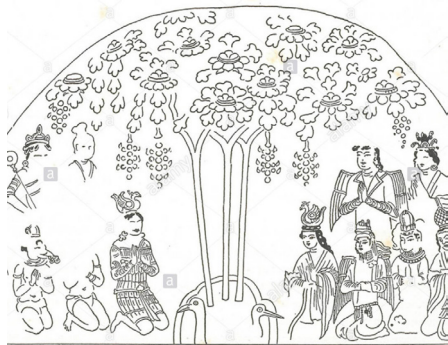
تصویر ۱. نوار مروارید در اطراف سر ایزد مانوی. منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۹۱)



۴۸). به نظر مانویان به همین دلیل از درخت تاک به عنوان درخت زندگی استفاده کرده‌اند زیرا اندیشه مانوی نیز بر اساس نور بوده است. یک نگاره بازسازی شده از درخت سه تنه مانویان در دست است که درخت از درون ظرفی دایره‌ای شکل روئیده است و در انتهای آن ظرف دو مرغابی در حال شنا دیده می‌شود گویی هدف نگارگر از قراردادن مرغابی نشان دادن حیات و زندگی بوده. سه تنه درخت که گفته شده نماد سرزمین نور نزد مانویان بوده به سه ناحیه شمال و شرق و غرب کشیده شده و در جهت نور و به سمت آسمان گرایش دارد. می‌توان تصور کرد که اگر شاخه‌ای دیگر در ناحیه جنوب کشیده می‌شد در لایه زیرین و تاریک تصویر قرار می‌گرفت و ظلمت و مرگ را نمایان می‌کرد می‌توان این‌گونه برداشت کرد که نواحی شمال و شرق و غرب مسیر رسیدن به نور و رستگاری و خیر و نیکی‌اند اما جنوب مسیر ظلمت و تاریکی و شر است. با توجه به تمامی عناصر موجود در این نگاره می‌توان این‌طور استنباط کرد که نماد درخت زندگی نزد مانویان معنایش زندگی جاویدان، سعادت، کسب حیات بهشتی و راه پیوند با ملکوت و نور است.

نماد هاله نور یا هاله مقدس

هاله نور یا هاله مقدس به‌عنوان برجسته‌ترین فرمی که ایزدان مانوی را از دیگر افراد متمایز می‌کند دور سر شخصیت‌های مانوی قرار دارد. شکل و فرم، رنگ، اندازه و آرایه‌های قرار گرفته درون هر هاله برای تفکیک و اعطای جایگاه خاص به شخصیت‌ها کاربرد داشت، هر چه هاله نور آراسته‌تر و باشکوه‌تر باشد نشان از مقام و جایگاه بالای فرد دارد. گذشته از جایگاه و مقام، هاله نور نمادی از نور و روشنایی نیز هست که اندیشه مانی بر آن بنا شده است. عنصر نور به مفهوم عالی‌ترین موجودات بود و بر همه چیز حکم فرما و هم چون جوهر الهی در نظر



تصویر ۴. تصاویر بازسازی شده از درخت سه تنه.
منبع: (www.alamy.com)

۵۸). مانویان نماد مروارید را در نگاره‌هایشان معمولاً به‌صورت رشته دایره‌های کوچک به هم چسبیده اطراف ایزدان تصویر می‌کردند تا روح رستگار شده و پاکی ایزدان را نمایش دهند (تصاویر ۱ و ۲). اما در (تصویر ۳) مرواریدها به‌صورت پراکنده در اطراف دو ایزد مانوی قرار دارند و به‌صورت متحرک تصویر شده‌اند که به سمت بالا در حرکت هستند گویی با نواختن موسیقی به حرکت درآمده‌اند. به نظر هدف نشان دادن آزاد شدن روح از کالبد تن و رسیدن آن به تعالی و رفتن به سوی نور و جایگاه حقیقی‌اش است. به‌طور کلی هدف هنرمند مانوی از قراردادن مروارید در نگاره‌هایشان نشان دادن پاک شدن و آزاد شدن روح از ناپاکی و رسیدن به جایگاه حقیقی و تعالی است.

نماد درخت زندگی

درخت نماد راست‌کاری و حیات است. این نماد ممکن است به‌صورت تک‌درخت یا گروهی از درختان مشابه ظاهر شود. درختان نماد بوستان بهشت و جهان نور هستند. در نگارگری مانوی تصویر درخت زندگی در میان گروهی از نیوشایان^۲ با چهره و جامه‌های خاص خود نمایانده شده است. این افراد در برابر درخت زانورده و به نیایش ایستاده‌اند. درخت که در مرکز این گروه قرار دارد دارای سه تنه است که هر یک به شاخه‌هایی منشعب شده‌اند، درخت زندگی نزد مانویان عموماً نماد سرزمین نور است و سه تنه آن ممکن است نمایانگر سه بخش سرزمین نور باشد (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۹۹-۲۵۸). یک نگاره در یک پرستشگاه مانوی واقع در شمال سانگیم پیدا شده که درخت زندگی و درخت مرگ در حالی که به دور یکدیگر پیچیده‌اند ترسیم شده است. درخت زندگی شکوفا و زیبا است در حالی که درخت مرگ پژمرده و بی‌برگ است. درهم‌پیچیدگی درخت زندگی و درخت مرگ نماد آمیختگی نور و ظلمت در دنیای فانی است (اسماعیل پور، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۶). درخت زندگی در نگاره‌های مانویان با سه تنه نحیف و میوه‌هایی شبیه انگور رسم شده است (تصویر ۴) که می‌تواند درخت تاک باشد. درخت تاک در اسطوره‌های ایرانی نماد زندگانی است، تاک نمونه ازلی در درون خود آب درست می‌کرد. شاخ و برگش از عصاره نور بود و گره شاخه‌های آن از دانه‌های نور تشکیل شده بود (تائبی، ۱۳۹۵:



تصویر ۳. مرواریدهای پراکنده اطراف دو ایزد مانوی.
منبع: (www.flickr.com)



کشیده‌اند، موضوع اصلی گریز از دریای این جهان و رسیدن به لنگرگاه رستگاری است (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۵۷-۵۸). ستون روشنی یا ستون شکوه که هم ایزد است و هم گذرگاهی است که نورهای آزادشده از طریق آن به بهشت نور رهسپار می‌گردند و روان‌های رستگار شده از این گذرگاه که مانند راه شیری از بیرون قابل رؤیت است به ماه در هنگام بدر فراز می‌روند و از آنجا به خورشید رهسپار می‌شوند و آنگاه به بهشت نور می‌رسند. خورشید و ماه از آن جهت که وسایل انتقال ارواح‌اند کشتی یا گردونه نام دارند (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۵۲). نماد کشتی در یکی از نگاره‌های مانویان (تصویر ۵) به صورت دو کشتی که هر یک دارای یک ملوان و مسافران است رسم شده. در بالاترین قسمت نگاره تصاویر بودا وجود دارد گویا دو کشتی در قلمرو بودا قرار داده شده. نماد کشتی سیری روحانی را نشان می‌دهد. مانویان با تصویر کردن دریا و کشتی می‌خواستند مسیر فرستادن روح به دنیای دیگر که بهشت نور و جاودانگی همیشگی است را نمایش دهند. دو کشتی را قابی نورانی فرا گرفته اما اطرافشان تاریکی است. به نظر می‌رسد هدف نگارگر نشان دادن مرحله گذر نور از تاریکی و ظلمت است که به وسیله کشتی نقش شده است.

نماد آسمان آبی

آسمان در تاریخ ایران از کهن‌ترین تجلیات قداست، سرشار از ارزش‌های اساطیری مذهبی و حوزه اقتدار الهی است. آسمان به اقتضای ارتفاع بی‌انتهای خود اقامتگاه خدایان است و گاه نشانه قدرت خداوند و جایگاه رستگاران و آیین‌های صعود می‌باشد (شوالیه، گریبان، ۱۳۷۹: ۱۸۶). در باور مانویان نیز آسمان جایگاه خدای اصلی، پدر روشنی و دیگر ایزدان است. آسمان منشأ نور، دیگر عنصر اصلی در باورهای مانوی است. آسمان به رنگ آبی به‌ویژه آبی لاجوردی در هنر مانوی نمود پیدا کرده است. به نظر می‌رسد هنرمند مانوی قصد داشته است با غالب کردن رنگ آبی در تصاویر و نوشته‌ها، اهمیت آسمان و پاکی آن را یادآوری کند (لطیف پور، ۱۳۹۴: ۷۹). مانویان این رنگ را در پس‌زمینه نگاره‌ها به صورت تخت با طیف روشن و تیره کار می‌کردند و سپس طرح و نقش‌ها را روی آن اجرا می‌کردند. در نگاره‌های مانوی آسمان بخش وسیعی را به خود اختصاص نداده زیرا شخصیت‌ها و عناصر گیاهی در جلوترین بخش فضای تصویری جای گرفته‌اند و تقریباً تمام فضای نگاره‌ها را پر می‌کردند. در حقیقت می‌توان گفت دلیل نقش کردن برخی

گرفته می‌شد که با ماده یا عقل متفاوت بود (ویدن گرن، ۱۳۷۶: ۶۴). هاله سر انسان نمادی از آدم مثالی و کامل بوده، نشانه جنبه قداست اوست و سر انسان که درون گردی این هاله قرار می‌گیرد، نمایانگر حقیقت انسانی و اتحاد میان نیروهای مختلف خیر و شر است (هاشمی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۱۴). یکی از راه‌های نمایش نور در هنر مانوی استفاده از رنگ طلایی بوده است. رنگ طلایی بهترین و نزدیک‌ترین و مثالی‌ترین رنگ برای نور است. مانویان برای به دست آوردن این رنگ از فلز گران‌بهای طلا استفاده می‌کردند (تجویدی، ۱۳۵۴: ۳۱). استفاده از رنگ طلایی در نگارگری مانوی از تجلی دنیای معنوی و آرمانی مانوی که همانا دستیابی به نور است، حکایت می‌کند. اما با بررسی نگاره‌های مانوی می‌توان به این نتیجه دست یافت که رنگ طلایی در بیشتر بخش‌های به کار رفته، جنبه تزیناتی داشته است. به عبارت دیگر در برخی از بازنمایی‌های این رنگ، اشاره به قدرت معنوی یا آرمانی مشاهده می‌شود اما جنبه تزیناتی آن در تصاویر باقیمانده و در دسترس بیشتر است (رهبر و پورمند، ۱۳۹۲: ۶۶). مانویان هاله نور را تنها به شکل دایره دور سر یا اطراف بدن ایزدان رسم می‌کردند. دایره به روح جهان، نفس داخل در طبیعت و به اولین نور مخلوق نیز نسبت داده شده است (یونگ، ۱۳۷۰: ۱۰۵). بنابراین هاله نور ریشه در اندیشه مانویان همانا رسیدن روح به نور اشاره دارد. در نگارگری مانوی هاله مقدس تنها دور سر قدسین را احاطه می‌کرد تا مقام فراتر انسانی آن‌ها را نشان دهد. رتبه‌بندی مقام ایزدان مانوی بر اساس اندازه و رنگ هاله تعریف می‌شد. آنچه که در نگاره‌های مانویان مسلم است این است که هاله به رنگ طلایی را به مهم‌ترین فرد اختصاص می‌دادند و رنگ‌های دیگر مربوط به ایزدان دارای مقام پایین‌تر بود.







نماد کشتی و سکان‌دار

برجسته‌ترین نمود زیبایی شناسانه هنر مانوی یعنی آرزوی رستگاری روح و روان آدمی و رها کردن روح محبوس در کالبد مادی و رسیدن به بهشت نور است که در قالب سفری دریایی رخ می‌دهد. نماد کشتی به منزله فرامین کیش مانوی است و حامل ذرات نور است و در واقع نوعی کشتی آسمانی و نمادین است که پاره‌های نور آزادشده از زندان این جهان مادی پست را به عرش می‌کشاند. سکان‌دار این کشتی نمادی است از پیامبری که وظیفه هدایت این عهد را بر عهده دارد، گاه عیسی و گاه مانی سکان‌دار این کشتی‌اند. در همه‌ی تصاویری که دریا را به تصویر



تصویر ۵. تجلی دو کشتی در آلیجی. منبع: (www.flickr.com)

جدول ۱. بررسی عناصر مشترک در نگاره‌های مانوی.

عناصر	ویژگی	معنا	تصویر
مروارید	به صورت دایره‌های کوچک در اطراف ایزدان مانوی	روح انسان یا روح رستگار شده	 <p>منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۹۱)</p>
درخت زندگی	به صورت سه شاخه و پر بار، وجود نیوشایان زیر سایه اش	راست کاری و حیات، سرزمین نور	 <p>منبع: (www.alamy.com)</p>
هاله نور یا هاله مقدس	دور سر ایزدان، به صورت دایره ساده و تک‌رنگ و یا به شکل دایره‌های متداخل و پر آرایه و با چندین رنگ	مقدس بودن، پاک و منزّه بودن. جلوه‌ای از نور ازلی	 <p>منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۶۴)</p>
کشتی و سکان‌دار	گروهی از دیناوران در کشتی قرار دارند تا با هدایت مانی یا عیسی به رستگاری نائل شوند	سفر روح برای رسیدن به رستگاری	 <p>منبع: (www.flickr.com)</p>
آسمان آبی	استفاده از رنگ آبی لاجوردی به صورت یکدست و صاف در پس‌زمینه	پاکی و منشاء نور، جایگاه خدا و ایزدان	 <p>منبع: (هامبی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۹)</p>
گل نیلوفر	به شکل پنج پر یا بیشتر، محل قرار گرفتن شخصیت‌های برگزیده مانوی	پاکی و تعالی جهان، اورنگ ایزدان	 <p>منبع: (هامبی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۷)</p>



نور است که هنرمندان مانوی دور سر یا بدن شخصیت‌های مقدس رسم می‌کردند. به دلیل تنوع اشکال و رنگ هاله نور در نگاره‌های مانوی لازم است چند نگاره که دارای هاله نور هستند را مورد بررسی قرار دهیم، بنابراین در این بخش فقط به نگاره‌هایی پرداخته خواهد شد که دارای هاله نور می‌باشند و در آخر ویژگی‌های تصویری هر یک در (جدول ۲) جمع‌بندی می‌شوند.

نگاره ۱. ایزد مانوی (پدر روشنی)

بخش بازمانده نگاره‌ای که ظهور یک ایزد مانوی را نشان می‌دهد. انحنای نگهبان همانند قسمت دیگر بر آن‌ها نقش گردیده است. بر لبه بالایی هاله، تاج گونه‌ای بسیار آراسته و مزین به مروارید قرار دارد خود هاله دارای چندین حلقه‌ی متمرکز است که از یک حلقه‌ی زرین میانی مزین به مروارید تا حلقه‌ی بیرونی سبز سایه‌روشن ادامه دارد. گرد هاله را لبه‌ی هلالی شکل و موج گونه‌ای فرا گرفته است. در پهن‌ترین بخش مرکزی تصویر، بازمانده سرهای انسانی تاج‌دار دیده می‌شود که ۹ تاج آن‌ها سالم مانده، اما شمارشان در اصل شاید به ۱۲ می‌رسیده است. این نکته ما را بی‌درنگ به یاد دوازده دیهیم روشنی می‌اندازد که چون فرزندان دور پدر روشنی ایستاده‌اند (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۲۶). در این نگاره (تصویر ۱) بدن و صورت این ایزد از بین رفته تنها در گوشه تصویر دست ایزد مشخص است که به سمت بالا گرفته شده و در دستش گیاه قرمز رنگی را دارد که ممکن است گل نیلوفر باشد. از قسمت سر ایزد تنها موهای مشکی بلندش نمایان است که روی شانه‌هایش افتاده است. این هاله دارای رنگ طلایی در ابتدا و انتها می‌باشد. دایره‌های میانی به ترتیب به رنگ سبز و قرمز و صورتی هستند. دو فرشته نگهبان در دو طرف هاله قرار دارند که به نظر می‌رسد این دو فرشته در حال قرار دادن این هاله نور دور سر ایزد روشنی هستند. پس زمینه طلایی نیز، نور حاصله از هاله را دوچندان کرده است. نور پس‌زمینه و هاله نور به رنگ طلایی درخشان به خاطر جایگاه این ایزد که پدر روشنی و آورنده نور می‌باشد است. بنابراین وجود چنین هاله نورانی و مزین به آرایه‌های تزیینی نشان از این دارد که پدر روشنی باید دارای مقام و مرتبه‌ای بالا بوده باشد.

نگاره ۲. یک دیناور برجسته که گزیدگان گردش حلقه زده‌اند



تصویر ۱ از نگاره ۱. نگاره ایزد مانوی پدر روشنی.
منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۶۴)

از ایزدان در بالاترین قسمت نگاره در پس‌زمینه آبی بوده که جایگاه آسمانی آن‌ها را نشان دهند بنابراین هدف مانویان از آسمان آبی نشان دادن جایگاه افراد پاک و ایزدان بوده است. البته در بعضی از نگاره‌ها پس‌زمینه به رنگ طلایی بوده که همان‌طور که گفته شد مانویان برای نشان دادن نور از رنگ طلایی استفاده می‌کردند. بنابراین پس‌زمینه طلایی به این دلیل بوده نگارگر می‌خواسته که نوری که از آسمان تابیده را نشان دهند.

نماد گل نیلوفر

نیلوفر آبی یا لوتوس همان است که با شراره‌های خورشید سر از آب برآورده، برگ‌هایش را باز می‌کند و هنگام غروب آفتاب خود را چون گوهری در صدف پنهان می‌کند و دوباره به آب بازمی‌گردد (دهخدا، ۱۳۷۵: ۱۰۴۲). نیلوفر آبی نماد انسان فوق‌العاده یا تولد الهی است زیرا بدون هیچ ناپاکی از آب‌های گل‌آلود خارج می‌شود. ایزدان از نیلوفر بیرون می‌آیند، یعنی جهان از عنصر آب به وجود آمده است (کوپر، ۱۳۸۶: ۳۷۱). تصویر نمادین نیلوفر در اکثر نگاره‌های مانوی به چشم می‌خورد، که ایزدان مانوی بر آن می‌نشینند یا می‌ایستند. گل نیلوفر در کیش بودا نماد پاکی و مفهوم تعالی جهان است. آرمان طهارت مانوی نیز به آرمان پالودگی بودائی بس نزدیک است (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۲۴۲). مانویان ایزدان و شخصیت‌های برگزیده خود را روی اورنگ نیلوفر نقش می‌کردند تا کمال معنوی و قدرت و پاکی و همچنین جایگاه متفاوت آن‌ها را نشان دهند. گاهی چند گل نیلوفر به صورت رونده رسم می‌شد. به نظر می‌رسد گل نیلوفر به شکل رونده ایزدان را به سمت عروج و معنویت سوق می‌دهد. در حقیقت نقش کردن نیلوفر آبی برای این بوده که نشان دهند انسان می‌تواند از گناه پاک شود و دوباره متولد شود همانند نیلوفر آبی که از آب‌های گل‌آلود پاک و تمیز خارج می‌شود.

با بررسی عناصر نمادین موجود در آثار مانوی می‌توان به روح حاکم بر فضا و مفاهیم نگاره‌ها پی برد. بعضی از نمادهای تصویری مانند گل نیلوفر، هاله نور، مروارید را در نگاره‌ها بیشتر در کنار هم می‌بینیم، گویا باهم عجین شده‌اند، اورنگ نیلوفر که ایزدان با هاله نور روی آن نشسته یا ایستاده ظاهر می‌شوند و مروارید که گاهی جزئی از نقوش داخل هاله است و گاهی هم در اطراف قرار دارند به نظر می‌رسد مکمل یکدیگر هستند. بنابراین هم از نظر تصویری این عناصر به هم مرتبط شده‌اند و هم از نظر معنایی، زیرا هر سه به پاکی و تعالی اشاره دارند. بعضی از نمادها خود به تنهایی دارای مضامین خاصی هستند مانند کشتی که مضمون سفر روح را دارد و داستان راه‌هایی است که انسان مانوی برای رسیدن به تعالی و رستگاری نهایی خویش طی می‌کند. به‌طور کلی مجموعه این نمادها در معنا و مفهوم باهم مشترک هستند و به رستگاری روح انسان و رسیدن به قلمرو نور و روشنایی و رهایی از تاریکی و ظلمت اشاره دارند.

مطالعه تحلیلی هاله نور در پنج نگاره مانوی

نور همواره در اعتقادات و باورهای مانویان از جایگاه بسیار مهمی برخوردار بوده و به عنوان نشانه‌ای الهی و ایزدی دارای قداست خاصی است که خود را به اشکال مختلفی نمایان کرده که یکی از این اشکال هاله نور یا هاله مقدس است. در معنا و مفهوم و ظاهر، هاله مقدس هاله‌ای از



نگاره ۳. دو ایزد بانوی نوازنده مانوی

دو بانو که به حالت قرینه در نگاره مورد نظر (تصویر ۱) ترسیم شده‌اند نقش دو ایزد مانوی را دارند. جامه این دو ایزد مانوی به سبک چینی و آسیای میانه بوده، و دستاری کاملاً به سبک دربار ساسانی بر سر دارند. و آن شی قرمز رنگ می‌تواند نشانه‌ای از جایگاهی برای عبادت باشد. تکرار رنگ‌های سرخ و طلایی و نوارهای مشکی یک نوع وحدت کلی را در نگاره برقرار کرده است. گویی با نواخته شدن نی تمامی نقش و نگاره‌ها و رنگ‌ها از دل نیلوفر زیبا که در پایین قرار دارد جوانه زده و به صورت موج همراه با آهنگ و ریتمی منظم به بالا صعود می‌کند (هاشمی پور، ۱۳۹۷: ۱۲۸). آگوستین قدیس آورده که مانی به موسیقی نیز می‌پرداخته و می‌گوید که او حتی برای موسیقی سرچشمه‌ای ایزدی قائل بوده است. این حقیقت که موسیقی در پرستاری ایزدان نقش برجسته‌ای داشته، در شماری از سرودهای مکشوف در مصر و آسیای مرکزی باز نموده شده است. سرودهایی که یک خواننده یا اهل جماعت آن را با موسیقی می‌خوانده‌اند (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۶۴). کلاهی سفید رنگ با تاج سه‌شاخه در وسط نگاره قرار دارد. این همان کلاه مانی در نگاره دیناور بزرگ است. اطراف ایزد بانوان مرواریدهایی (نماد روح) طلایی رنگی به حالت رقصان دیده می‌شود که همه آن‌ها در حال رفتن به سمت بالا هستند. گویی با نواختن ساز این مرواریدها به حرکت درآمده‌اند. هر دو بانو دارای هاله دایره‌ای شکل ساده با رنگ‌های سبز، آبی، نارنجی هستند که با رنگ لباس ایزدبانوان هماهنگ است. با وجود نشانه‌های تصویری که در این نگاره داریم به نظر می‌رسد این دو ایزد بانو نقش هدایت‌گر روح‌های رستگار شده را دارند که به وسیله موسیقی به این روح‌ها کمک می‌کنند تا مسیر رفتن به نور و بهشت را بیابند.

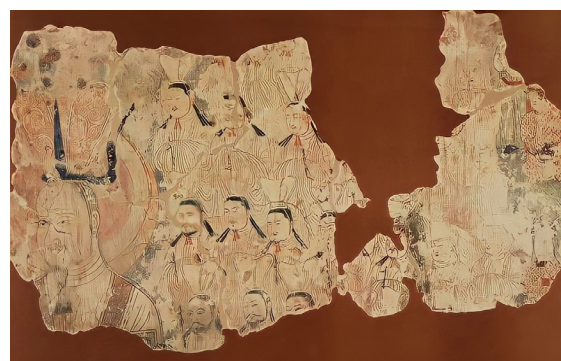
نگاره ۴. تصویر دوشیزه روشنی و دو بانوی گزیده

این ایزد نجات‌بخش مانوی که دو بانوی گزیده در کنار اویند، ایزد بانویی است که فقط می‌تواند دوشیزه روشنی باشد که بر اورنگ نیلوفری گسترده، خوش‌رنگ و باشکوهی ایستاده است. در دست راستش شیئی نگه می‌دارد که شاید بتوان آن را گل نیلوفر آبی پنداشت، شاید مقبره نذورات یا شاید حتی یک عود سوز باشد. جامه باشکوه و بلند آستین

در این نگاره (تصویر ۱) دیناور بزرگی ترسیم شده که گروهی در سمت راست او قرار گرفته‌اند. این نگاره نمایانگر چگونگی جامه و دستار گزیدگان و دین سرهنگان که جامه‌هایشان اغلب به نگاره ایزدان آراسته بود. از نشانه‌های مهم برای شناسایی تصویر، هاله گرد سر دیناوران بزرگ است که دستاری آبی، پر آرایه و بلند را چون تاج بر سر می‌نهادند. این تصویر در بردارنده نگاره‌هایی از دو روشنی بزرگ، خورشید و ماه است. یک هلال زرد ماه برگرد خورشید به رنگ سفید متمایل به سرخ با مرز سپید روشن‌تر، نقش گردیده است (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۹۴). در سمت چپ یک پیکره بزرگ (طبق اشاره باستان‌شناس آلمانی که آن را کشف کرده‌اند، احتمالاً خود مانی است و فقط سر و شانه او باقی مانده است) با دستاری به رنگ عنابی کم‌رنگ خاکستری فام و طرح‌های نارنجی قرمز فام تصویر شده‌اند (هامبی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۷). این دیناور بزرگ کلاهی تاج مانند بر سر دارد که به وسیله نواری در زیر چانه بسته شده است. پشت سر او مردانی قرار دارند که از طریق سیل‌هایشان می‌توان به سن آن‌ها پی برد، مردان پایین‌ترین ردیف دارای ریش و سیل نسبتاً بلندی هستند، ردیف سوم و دوم مردان دارای سیل‌های باریک و کم‌پشت هستند که نشان می‌دهد این افراد جوان‌تر از ردیف پایینی هستند. لباس همه افراد موجود در این نگاره به رنگ سفید با آستین‌های گشاد و کلاهی که به وسیله نوار باریک در زیر چانه بسته شده است. تصویر انتهایی این نگاره تقریباً از بین رفته است اما چهره چند بانوی گزیده را می‌توان دید. این نگاره جایگاه اجتماعی هر شخص را به خوبی نشان داده است. فردی که در جلوترین قسمت نگاره قرار دارد به دلیل بزرگنمایی و داشتن هاله مقدس مشخص است به عنوان پیشوا و رهبر، افراد پشت سر خود است. افراد پشت سر او هاله نور ندارند و لباس‌های یک‌شکل دارند و از طریق حالت دست‌ها و ایستادنشان مشخص است ملازمان او هستند که در حالت احترام تصویر شده‌اند. در عقب‌ترین قسمت بانوان قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد زنان در این نگاره مرتبه‌ای پایین‌تر از مردان دارند. به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت این دیناور با داشتن هاله‌ای به شکل خورشید و ماه و بر سر داشتن تاج و دستار و همچنین داشتن محاسن بلند و سفید، فردی عارف و سال‌خورده است و در نزد مانویان احتمالاً مقام رهبر و پیشوا را دارد.



تصویر ۱ از نگاره ۳. دو ایزد بانوی نوازنده. منبع: (www.flickr.com)



تصویر ۱ از نگاره ۲. دیوارنگاره‌ای با تصویر دیناور بلندپایه‌ای به همراه مریدان و ملازمانش. منبع: (آژند، ۱۳۹۹: ۵۷)



هم دور سر و هم دور بدن قرار گرفته که نشان می‌دهد این فرد جایگاه مهمی دارد علاوه بر وجود دو هاله، به نظر می‌رسد نگارگر می‌خواسته با غالب کردن رنگ طلایی نیز تأکید کند که این شخص عرفانی دارای مقام و منزلت والایی می‌باشد.

در هنر مانوی هاله جلوه‌ای از نور است که شخص ملکوتی دور سرش یعنی بخش معنوی انسان دارد. مانویان هاله نور را همیشه به شکل دایره، اما در اندازه‌ها، نقش‌ها و رنگ‌های متفاوت تصویر می‌کردند. دوایر متحدالمركزی که در هاله نور مانوی است می‌تواند نمایانگر سلسله‌مراتب وجود نیز باشد. هم‌چنین فرم دایره‌ای شکل و نوری که از هاله تابیده می‌شود همواره مفهوم خورشید را هم القا می‌کند. هاله نور در نگاره‌های مانوی به رنگ‌های قرمز، نارنجی، سفید، قهوه‌ای، آبی، سبز، طلایی و دیگر رنگ‌ها بوده و هیچ محدودیتی در انتخاب رنگ هاله برای مانویان وجود نداشت، اما پرکاربردترین رنگ که در بیشتر هاله‌های مانوی به چشم می‌خورد رنگ طلایی است که مانویان از آن، هم برای نمایش نور و هم برای تزئین در نگاره‌های خود استفاده می‌کردند. اگر در بخش هاله نور رنگ طلایی بیشتر باشد به معنای مهم بودن شخص دارنده هاله است. در مورد آرایه‌های تزئینی قسمت داخلی هاله نور نکته قابل توجه وجود نماد مروارید درون بعضی از هاله‌ها است که به نظر هدف هنرمند مانوی نشان‌دادن رسیدن روح رستگار شده به نور است زیرا نماد مروارید نشان روح رستگار شده است و هاله هم که جلوه‌ای از نور است.

ایزد بانو تا زیر گردن است، مخمل دوزی دارد و نوارهای مخملی، زرد و نارنجی از منجوق یا آرایه‌هایی که روی آن گل‌دوزی یا بافته شده است (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۴۰-۱۴۱). طرح و ترکیب‌بندی این نگاره (تصویر ۱) با هاله‌ای مدور و مرواریدی یادآور آناهیتا و بانوی رقصنده آثار دوره ساسانی است. آثار این عصر و قرار گرفتن نیلوفر در زیر پای بانو، یادآور نیلوفر زیر پای میترا در حجاری‌های طاق بستان است، انگار مانی الهه آناهیتا را در دعوت فکری خویش فراخوانده تا همچنان که او در ایران نماد زیبایی، آب و مادر میترا است در اینجا نیز به آن مسئولیت گمارده می‌شود تا اشتراکات دینی و فرهنگی را استحکام ببخشد (صمدی، ۱۳۹۵: ۶۶). هاله دور سر این ایزد بانو نیز همانند لباسش بسیار زیبا و پر آرایه است. اندازه این هاله نسبتاً بزرگ است. رنگ‌های درونش متنوع و گرم به‌صورت لایه‌لایه در کنار هم قرار گرفته‌اند که می‌توان به رنگین‌کمان تشبیه‌اش کرد. شکل کلی هاله دوشیزه روشنی به مانند خورشید است و گرما و حرارت و نور را القا می‌کند. این هاله آسمان و خورشید را در درون خود جای داده است. شاید به دلیل اینکه ایزدبانوی روشنی است و خورشید نیز مظهر نور و درخشش است این هاله برایش در نظر گرفته شده تا مانند خورشید نور تعالی را در اطراف بتابد.

نگاره ۵. بخشی از یک مینیاتور با نگاره بودای روشنایی

مینیاتوری است بودائی که بودای روشنایی را نشان می‌دهد (تصویر ۱) چنان‌که رسم مانویان بوده است و به گمان فن لوکک، نشان‌دهنده چهره مانوی است که در حقیقت، در چند جا با بودا یکی شمرده می‌شود (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۲۳). با اینکه لوکک این تصویر را مربوط به مانویان دانسته است، به نظر این تصویر کاملاً بودائی است هر چند نام مانوی داشته باشد. در این نگاره هاله با سه حلقه طلایی، قرمز منقش و طلایی تصویر شده است. رنگ طلایی هم در هاله مقدس، هم در خورشید و هم در لباس بودا دیده می‌شود و در اینجا می‌توان گفت رنگ طلایی در معنای مقدس و الوهی به کار رفته است (الهی، ۱۳۸۱: ۹۵). تصویر خورشید طلایی در پس‌زمینه‌ای به رنگ آبی لاجوردی تضادی ایجاد کرده که این نگاره را ماورائی‌تر نشان داده است. هاله مقدس در این نگاره



تصویر ۱ از نگاره ۵. بخشی از یک مینیاتور. منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۶۳)



تصویر ۴ از نگاره ۴. قطعه‌ای از ابریشم گلدوزی شده با طرح ایزد بانوی مانوی و دو بانوی برگزیده. منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۶۸)



جدول ۲. بررسی انواع هاله مقدس در نگاره‌های مانویان.

تصویر	ویژگی	رنگ
 <p>منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۶۴)</p>	هاله‌ای تاج‌دار با نوار حاشیه‌ای موج‌گونه و درونش دایره‌های متحدالمرکز	به ترتیب طلایی، سبز، قرمز، صورتی، طلایی
 <p>منبع: (آزند، ۱۳۹۹: ۵۷)</p>	به شکل هلال ماه برگرد قرص خورشید	هلال ماه به رنگ زرد و قرص خورشید سفید متمایل به سرخ
 <p>منبع: (www.flickr.com)</p>	دایره‌ای ساده با نوار باریک	سبزرنگ با نوار نارنجی طلایی
 <p>منبع: (www.flickr.com)</p>	دارای سه دایره متحدالمرکز	نارنجی زرد، آبی کم‌رنگ، سورمه‌ای
 <p>منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۶۸)</p>	به شکل خورشید با حاشیه‌ای مرواریدی	طلایی، قرمز، آبی، قهوه‌ای، نارنجی، صورتی
 <p>منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۶۳)</p>	دارای دو نوع هاله: هاله دور سر و هاله اطراف بدن. منقش شده با طرح اسلیمی‌های پیچان	طلایی و قرمز متمایل به نارنجی
 <p>منبع: (www.flickr.com)</p>	دایره ساده با نوار مرواریدی که درونش نقطه‌های ریز دارد	قرمز تیره و مرواریدها قرمز روشن با نقطه‌های سیاه



	<p>همانند هاله عکس قبلی اما اندازه دایره این هاله کمی کوچکتر از هاله قبلی است</p>	<p>قرمز با مرواریدهای صورتی با نقطه‌های سیاه</p>
<p>منبع: (www.flickr.com)</p>		
	<p>هاله بزرگ اطراف بدن با طرح مروارید و هاله‌ای ساده و کوچک دور سر</p>	<p>سپید و قرمز</p>
<p>منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۵۴)</p>		
	<p>ساده با نوار حاشیه‌ای</p>	<p>سبز کمرنگ و پرنگ</p>
<p>منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۵۷)</p>		
	<p>ساده با نوار حاشیه‌ای</p>	<p>قرمز نارنجی و قرمز متمایل به قهوه‌ای</p>
<p>منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۵۷)</p>		
	<p>دو دایره متحدالمرکز</p>	<p>سرخ و طلایی</p>
<p>منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۶۶)</p>		
	<p>دایره ساده</p>	<p>سرخ‌رنگ</p>
<p>منبع: (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۱۶۶)</p>		

مانند هاله نور یا هاله مقدس است که از نظر تنوع طرح و رنگ با دیگر عناصر متفاوت است. هاله نور را متناسب با مقام هر شخصیت طرح و رنگش را تغییر می‌دادند و هرچه فرد والا رتبه‌تر باشد هاله نور باشکوه‌تری دارد. فرم کلی هاله نور در نگاره‌های مانوی همیشه به شکل دایره بود و تنها طرح‌های داخل هاله و رنگ‌هایش تغییر می‌کرده است. استفاده از رنگ طلایی در هاله نور برای مانویان تنها برای

نتیجه‌گیری
با تأمل و جستجو در نقاشی مانوی مشخص می‌شود که این نقاشی‌ها با بیانی نمادین به صورت مستدل و محکم شکل گرفته است و عمده‌عناصر به‌کاررفته متأثر از مفاهیم و دستورات مانی بوده و دارای وضوح آشکار می‌باشد. هرچند علی‌رغم ظاهر ساده نقاشی مانوی عمق نمادین عناصر معنای تازه‌ای بر نقاشی این دوران می‌گشاید در میان این عناصر نمادین



نمایش نور و روشنایی نبوده و کاربرد تزئینی نیز داشته زیرا هاله نور به رنگ‌هایی دیگری مانند قرمز، سبز، قهوه‌ای و یا ترکیبی از این رنگ‌ها در نگاره‌های مانویان تصویر شده است، که مورد بحث قرار گرفت. از همین رو با توجه به قاعده کلی بیان شده و ارتباط معنایی عناصر نمادینی چون مروارید نماد روح رستگار شده، درخت زندگی نماد حیات و راست کاری، گل نیلوفر آبی نماد پاکی و تعالی و اورنگ ایزدان، کشتی نماد سفر روح، آسمان آبی نماد منشاء نور و هاله نور نیز به معنای نور و تقدس است. با توجه به عناصری که ذکر شد می‌توان به بخشی از واقعیت و تفکرات مانوی پی برد و آن را تفسیر کرد که بر مبنای رسیدن به پاکی و خیر می‌باشد و رویکرد این پژوهش بر این مبنا انجام شده است. در تحقیق حاضر نیز به دنبال بیان و نگاه به عناصر مانوی ابتدا هنر مانوی و شرایط زندگی مانوی بیان و مشخص گردید که این عناصر به کاررفته مورد ارتباط با دین مانوی بوده و با اهداف چندجانبه در نقاشی به کاررفته و تنها جنبه تزئینی نداشته است. این عناصر در نقاشی‌های پنج نگاره تکرار شده و دارای اشتراکات و افتراقاتی می‌باشد. در این مقاله بسیاری از مفاهیم مورد تحلیل قرار گرفت و این پژوهش نشان می‌دهد درک این عناصر دینی بوده و به باطن دین مانوی اشاره می‌کند و در هنر متبلور می‌شود و این عناصر به زیبایی هنر مانوی و پاکی در ظاهر و باطن اشاره می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. تورفان: ناحیه‌ای در استان شین-جیان، واقع در غرب چین که خاستگاه مانویان در سده‌های میانه بود. تلفظ امروزی این شهر تورپان است اما تلفظ تورفان زیر تأثیر تلفظ غربی، دیگر در فارسی جا افتاده است (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۲۰).
۲. نیوشایان: نیوشایان یا شنوندگان (سماعون)، پایین‌ترین طبقه مانوی یا مردم عادی را تشکیل می‌دادند (کلیم کایت، ۱۳۹۶: ۶۳).

فهرست منابع فارسی

- آژند، یعقوب (۱۳۹۹)، نگارگری ایران، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- ابن ندیم، محمدبن اسحاق (۱۳۸۱)، الفهرست، ترجمه رضا تجدد، تهران: انتشارات اساطیر.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۷۷)، بررسی تطبیقی دیباچه مثنوی و اشعار گنوسی، نشریه ایران‌شناخت، ش. ۱۱، صص ۱۴-۴۱.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، زیبایی‌شناسی در هنر و ادبیات مانوی، فصل‌نامه فرهنگستان هنر، ش. ۶، صص ۵۴-۶۳.
- الهی، محبوبه (۱۳۸۱)، هاله تقدس در شکل و معنا از دوره باستان ایران تاکنون (مقایسه تطبیقی هاله تقدس در ادیان اولیه ایرانی و ادیان مهرپرستی؛ مانوی، اسلام، مسیحیت و بودائی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۱)، دایره‌المعارف هنر، تهران: فرهنگ معاصر.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۵)، نقاشی ایرانی از دیرباز تا به امروز، تهران: زرین و سیمین
- پوپ، آرتور ایهام (۱۳۷۸)، سیر و صور نقاشی ایران، ترجمه یعقوب آژند،

تهران: مولی.

نائبی، فاطمه (۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل نقش درخت زندگی و جانوران اطراف آن در قرون اولیه اسلامی (اول تا پنجم هجری در ایران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز شرق تهران.

تجویدی، اکبر (۱۳۵۴)، کتاب‌آرایی در ایران، مجله هنر و مردم، دوره ۵، ش. ۴۹، صص ۳۳-۴۳.

حسینی، مریم (۱۳۸۷)، مروارید جان در صدف تن سمبلی گنوسی در شعر فارسی، مجله دانشکده هنر علوم انسانی، سال ۷، ش. ۲۵، صص ۴۶-۶۴.

دکره، فرانسوا (۱۳۸۰)، مانی و سنت مانوی، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر فرزاد.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۵)، لغت‌نامه‌ی دهخدا، جلد چهارم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

ذکرگو، امیرحسین (۱۳۷۸)، تحول شمال‌نگاری بودائی در امتداد جاده ابریشم، نشریه هنرنامه، سال دوم، ش. ۴، صص ۵-۲۱.

رهبر، ایلتاز؛ پورمند، حسن علی (۱۳۹۲)، بازخوانی رابطه‌ی نور و رنگ طلایی در آراء و هنر مانوی، نشریه کتاب ماه هنر، ش. ۱۷۹، صص ۶۴-۷۹.

شوالیه، ژان؛ گربران، آلن (۱۳۷۹)، فرهنگ نمادها: اساطیر، رؤیایها و رسوم، ترجمه سودابه فضایی، چهار جلد، تهران: جیحون.

صمدی، محمد (۱۳۹۵)، سیر تحول هاله مقدس به شکل نور و آتش در نگارگری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان.

کریستنسن، آرتور (۱۳۸۲)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: انتشارات صدای معاصر.

کلیم کایت، هانس یواخیم (۱۳۹۶)، هنر مانوی، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق، تهران: نشر هیرمند.

کن‌بای، شیلا (۱۳۷۸)، نقاشی ایران، ترجمه مهدی حسینی، تهران: دانشگاه هنر.

کوپر، جی. سی (۱۳۸۶)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرهنگ نشر نو.

گری، یازیل (۱۳۸۳)، نقاشی ایران، ترجمه عربعلی شروه، تهران: نشر دنیای نو.

لطیف پور، صبا (۱۳۹۴)، وجوه حکمی مانویت و تأثیر آن بر هنر مانوی، فصلنامه علمی و پژوهشی کمیاب‌های هنر، ش. ۱۴، صص ۸۸-۹۳.

موسوی، الهام (۱۳۹۳)، مطالعه تطبیقی عنصر نور در هاله مقدس و نگارگری مانویان و هنر اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

ویدن گرن، گئو (۱۳۷۶)، مانی و تعلیمات او، ترجمه دکتر زهت صفایی اصفهانی، تهران: مرکز.

هاشمی پور، فاطمه (۱۳۹۷)، تأثیر هنر مانوی بر نگارگری دوره سلجوقی با رویکرد آیکونولوژی (بررسی موردی نگاره‌های نسخه سمک عیار)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی کمال‌الملک.

هامبی، لوئی؛ دوویلا، مونره، و ویدن گرن، گئو (۱۳۸۹)، هنر مانوی و زرتشتی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۰)، روانشناسی و دین، ترجمه فؤاد روحانی، تهران: امیرکبیر.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۸۱)، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانی، تهران: انتشارات جامی.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Published by Soore University. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

